

نامه‌های رسیده

به نام خدا

با عرض سلام و تبریک سال نو

به نظر بنده به اضافه‌ی یک اکثریت دیگر، جا دارد از طراحی بسیار جالب و قابل تشویق و «تشویش» تقویم سال ۷۹ (امسال) که مزین تر از سال قبل (پارسال) گشته بود تشکر و قدردانی شود. در ضمن «گاهی» بودن یا نبودن (مسئله این است!) و رایگان نبودن یا بودن (مسئله این نیست!) سبب پریشان‌خاطری ما نگشته است. البته به قول یکی صد سال به پارسال ...

گلناز - ک (دبیرستان) فرزنانگان امین اصفهان

بسمه تعالی

با عرض سلام خدمت دست اندرکاران مجله استعدادهای درخشان

من یکی از دانش‌آموزان راهنمایی مرکز شهید قدوسی قم هستم. هنگام مطالعه مجله شماره ۳۱ وقتی به قسمت پاسخ‌های شما نگاه می‌کردم متوجه شدم دانش‌آموزی از یک مرکز سمپاد به نحوه کاری مسئول کتابخانه و اخلاق ایشان در مرکز خود ایراد داشت.

به این فکر افتادم همانطوری که مسئولین ناشایسته کتابخانه‌ها مورد بازخواست قرار می‌گیرند متصدیان و کتابداران لایق و با تجربه نیز باید قدردانی شود.

در شماره ۳۰ مجله استعدادهای درخشان طرز کار و موقعیت کتابخانه‌ها در مراکز گوناگون ذکر شده

بود بنابراین هنگامی که به مرکز خودم (شهید قدوسی قم) نظری افکندم متوجه این مطلب شدم که کتابخانه ما از نظر حجم کتاب و سرانه کتاب برای هر دانش‌آموز در رتبه سوم قرار دارد. بهتر است این نکته را هم یاد آور شوم که سیستم کتابخانه ما باز است و براحتی می‌توانیم کتاب مورد نظر را انتخاب و به امانت بگیریم. به نظر من کتابخانه مرکز شهید قدوسی قم بخاطر دارا بودن ۱۱۳۵۶ کتاب و سرانه ۳۰ کتاب برای هر دانش‌آموز و سیستم باز، یکی از بهترین کتابخانه‌های مراکز سمپاد است. این شایستگی هنگامی تکمیل می‌شود که این کتابخانه دارای متصدی شایسته و لایقی نیز می‌باشد که من از زحمات چندین ساله ایشان در پیشرفت کتاب و کتابخوانی بسیار متشکرم. این نامه را نیز برای قدردانی از ایشان نوشته‌ام.

دانش‌آموز راهنمایی - مرکز شهید قدوسی قم

باسمه تعالی

با عرض سلام و خسته نباشید!

ابتدا باید بخاطر اینکه باز هم از وسائل نوشتاری جهت بیان عرائض استفاده کردم پوزش بطلبم. اولین علتش این بود که فکر کردم ممکن است موقع گفتن، همه آنچه در ذهنم هست را نتوانم بگویم و دیگر اینکه مجال مناسب برای گفتن آنها پیدا نکردم و از آنجایی که بچه سمپادها مصداق عینی «و خلق الانسان عجولا» هستند تصمیم گرفتم که گرچه خط خوبی ندارم اما به این وسیله موضوعی را مطرح نمایم!

از وقتی که وارد دانشگاه شدم و حتی قبل از اینکه وارد آنجا شوم (چون من ورودی بهمن هستم) در فکر جو فرهنگی علمی اخلاقی و خیلی چیزهای دیگر بودم و اینکه من در میانه این میدان کجا هستم و چه کاره‌ام... وقتی هم که وارد آنجا شدم تا امروز که یکسال می‌گذرد هر روز یک تجربه نو مرا به فکری نو واداشته است و البته در دانشکده جمع و جور و تقریباً کوچک ما خیلی از مسائل اساسی تر را راحت تر می‌شود لمس کرد. یکی از مسائل جالبی که من در دانشگاه فهمیدم در مورد بچه سمپادها و بخصوص تهرانیهاست. در دانشگاه ما در هر قسمت خاص و فعال علمی فرهنگی که سری بنزید غیرممکن است یک یا چند سمپادی نباشد که بعنوان خط دهنده دیگران باشد. و حتی در مسائل جاری کلاسها و مسائل اخلاقی و... نیز بچه‌های سمپاد اگر کمی زرننگ باشند می‌توانند ۱۰۰ نفر دیگر را با خود

همراه کنند یا مثلاً سر کار بگذارند!

اما غرض از این همه مقدمه چینی این بود که وقتی به دوران تحصیل ۱۲ ساله خودم نگاه می‌کنم با خود فکر می‌کنم و افسوس می‌خورم که چرا از آن سالها به اندازه لازم استفاده نبردم و چرا امروز اینقدر عقب مانده‌ام و... چون در اطرافم می‌بینم که هر کسی که از دوران راهنمایی و به خصوص دبیرستان خود توشه‌ای در خور برداشته است امروز هم در میدان دانشگاه هم گلیم خود را از آب بیرون می‌کشد و هم گلیم دیگران را!

... و بعد فکر کردم که چقدر خوب است اگر امروز بچه‌های دبیرستانی را با توشه‌ای مناسب آماده فردا کنیم. خصوصاً بچه‌هایی که از استعدادها، نگرشها و تجربه‌های منحصر بفردی برخوردارند و اگر خمیر مایه اخلاقی و شخصیتی مناسبی هم با آن همراه شود فرداها هر چند شرایط سخت و سنگین و هر چقدر مخالفتها و موانع زیاد باشد باز هم ارابه سازندگی علمی و فرهنگی را به جلو خواهند برد (بیخشید اگر لفظ ارابه را بکار بردم، چون هنوز برای بکار بردن لفظی مثل لکوموتیو و... زود است!).

... و بعد باز هم فکر کردم! کاش در سازمان ما! گروهی یا بخشی برای یک برنامه‌ریزی سازماندهی شده فرهنگی، اختصاص پیدا کند. چون فکر می‌کنم آنچه امروز در کلاسهای علوم انسانی تدریس می‌شود گر چه خوب است و هر کار دیگری هم بخواهد صورت بگیرد از همین راه باید باشد، اما کم است و عطش بچه‌های سمپادی را فرو نمی‌نشانند. البته برگزاری سالانه مسابقه قرآن سازمان، خودش یکی از همان کارهایی است که مناسب با عطش شدید فرهنگی بچه‌هاست. اما! این مسابقه که خصوصاً مرحله‌نهایی آن بسیار جالب توجه است! فقط محدود به گروه خاصی از این عده کثیر سمپادیه‌های ایران می‌شود. نکته دیگر اینکه شرکت‌کنندگان در این مسابقه‌ها افراد خاصی هستند که می‌شود گفت راهشان را پیدا کرده‌اند و بقیه گمشده‌ها همینطور حیران می‌مانند و حیران و سرگردان و گاهی هم چپ کرده! وارد دانشگاه می‌شوند و...

اما نکته‌ای که جای تأسف دارد در مورد سمپادیه‌های شهرستانهای دیگر است و آنهم اینکه اکثر آنها بجز عده قلیلی که از تهرانیها هم بهترند! مسئولیت خود را نفهمیده‌اند و اصلاً شباهتی به سمپادیه‌ها ندارند بجز شباهتی مختصر که باعث می‌شود در همان لحظه اول آشنایی هم خانواده بودن همدیگر را کشف کنیم. این دسته که معرفی کردم مثل باقی آدمها خود را به دست جریان روزگار سپرده‌اند و آخر ترم ماشین حساب به دست مشغول معدل‌گیری هستند! و فکر می‌کنم با این اوضاع باید به طریقی اورژانسی برای آنها به فکر چاره بود. خصوصاً با این ازدحام حملات فرهنگی که فکر کردن به آنها آدم

را دچار سرگیجه می‌کند و حتی عاقلها هم گاهی حیران می‌مانند!
بیشتر از این سخن را طولانی نکنم. نمی‌دانم آنچه نوشته‌ام تا چه حد با واقعیت منطبق است و تا چه حد آرمان‌گرا یا دور از آنچه که واقعاً وجود دارد. و به عبارتی نمی‌دانم چقدر درک درستی از آنچه که در اطرافم می‌گذرد داشته‌ام.

بهر حال «امیدوارم خداوند متعال ما را در عمل به مضامین نورانی قرآن کریم موفق و در احیای تمدن عظیم قرآنی سهیم گرداند.» ان شاء الله
س.ف. دانش آموخته سمپاد

بسمه تعالی

جناب آقای دکتر اژه‌ای ریاست محترم سازمان ملی پرورش استعداد‌های درخشان
با عرض سلام

احتراماً به عرض می‌رساند ما نمایندگان شورای دانش‌آموزی شهرستان بابل که در مرکز فرزانشان در پایه‌های مختلف مشغول به تحصیل هستیم نهایت تشکر و سپاس را درخصوص پیش برد اهداف سازمان از جمله بالا بردن سطح کیفی و کمی آموزش و پیشبرد جنبه‌های معنوی همچنین مسئله مکان آموزش داشته و داریم. از آنجائیکه جنابعالی در ساخت و تهیه مکان مجتمع زحمات زیادی کشیده‌اید و ما از نزدیک شاهد آن بوده‌ایم. لذا باید به عرض برسانیم که متأسفانه با مخالفت بعضی از خانواده‌ها در انتقال به مرکز جدید روبرو هستیم. در صورتیکه فضای کنونی به هیچ وجه مناسب نبوده و فاقد امکانات رفاهی و بهداشتی می‌باشد. فضایی که کتابخانه مناسب، آزمایشگاه مناسب و اتاق مشاوره مناسب جهت تعادل افکار، آبخوری و دستشویی مناسب، اتاق کامپیوتر مناسب و حتی کلاس مناسب ندارد و علیرغم تلاش‌های مدیر محترم مرکز که نهایت سعی را برای ایجاد رفاه دانش‌آموزان می‌نمایند متأسفانه نمی‌توان کمبودهای این فضا را از بین برد.

اهم مشکلات فضای جدید التاسیس، جاده باریک و کم عرض و نبودن آب و برق و خصوصاً نداشتن سرویس دهی جهت ایاب و ذهاب می‌باشد که برای خانواده‌ها مشکل‌زاست و همین علت مهمی برای مخالفت خانواده‌ها می‌باشد.

لذا از شما مقام و مسئول محترم استدعا داریم بنا به مصلحت و صلاح‌دید سازمان دستورات لازم جهت از بین بردن مشکلات مجتمع استعداد‌های درخشان بابل داده تا انرژی و نیروی دانش‌آموزان در این فضای بسته از بین نرود و از طرفی از مکان جدید به نحو بهتری استفاده گردد.

با تشکر - شورای دانش‌آموزی مرکز فرزانشان بابل

چشمها را باشد شست، جور دیگر باید دید

با عرض سلام و خسته نباشید خدمت تمامی دست اندرکاران تهیه مونس و همدم خوبان، «مجله

سمپاد»

از طرفداران پر و پا قرص مجله شما هستم و اگر چه که بیشتر اوقات دیرتر از موعد به دستمان می‌رسد، اما در همان روز اول، تمامی مطالب آنرا می‌خوانم. بارها خواسته‌ام که برایتان نامه بنویسم و این فرصت نصیبم نشده بود تا اینکه مطالب خواندنی مجله ۳۱ از جمله انشای آن دانش آموز سمپادی خبرهایی از مغزهای متفکر و اختراعات ایرانی و گفتگو با یک جوان موفق - المپیادی فیزیک - و همچنین تکرار خبر مسرت‌بخش و غرور آفرین قهرمانی تیم ربوکابهای ایران در جهان مرا مصمم کرد تا حرف دلم را برایتان بنویسم:.... اما آنچه که بیشتر از همه روی من تأثیر گذاشت، خبر مهاجرت دانشمندان ایرانی به کشورهای اروپایی و امریکایی بود. بارها و بارها خبر اختراعات جدید بوسیله ایرانیان را خواندم و اشک شادی همراه با غرور و افتخار به «ایرانی بودن» در چشمانم حلقه زد اما وقتی به پایان مطلب میرسیدم شادیه‌ها جای خودش را به تأسف می‌داد. مخصوصاً با آن نمایشنامه که تا حدودی نشانگر واقعیتها بود واقعیتی نگران‌کننده و مصداق کامل این جمله که: «یار در خانه و ماگرد جهان می‌گردیم.»

... چرا باید به استعداد‌های شکفته کشور آنگونه که شایسته آنهاست بها ندهیم و تنها نامشان را پس از کسب موفقیت و در هنگام ورود به کشور بشنویم و از همه تجربه‌ها و سعی و کوشش آنها به چند سؤال کوتاه و کلیشه‌ای اکتفا کنیم ...

چند وقتی است که خبرهای مربوط به کنکور و دانشگاهیان را دنبال می‌کنم و از صحبت‌های همه آنان که درس و دانشگاهیان را دنبال می‌کنم و از صحبت‌های همه آنان که درس و دانشگاه را فقط برای آموختن و خدمت به دیگران و نه برای کسب مدرک می‌خواهند، اینطور برداشت کرده‌ام که بغیر از چند مجموعه و مرکز علمی در بقیه نقاط کشور آنچنان که باید به کارهای عملی و نقطه قوتی که می‌تواند شخصی را تا بلندترین قله‌های علم راهنما باشد بها داده نمی‌شود. نمونه‌اش همین حرف‌های برگزیدگان جشنواره‌ها و همین تیم ربوکابها که اگر از نظر مالی و دیگر مسایل بیشتر مورد حمایت قرار بگیرند، بسیار برتر از آنچه که هستند، می‌ایستند.... همین المپیادها اگر چه که ممکن است در همه دروس در سطح عالی نباشند، اما در همان رشته‌ای که برای المپیاد انتخاب کرده‌اند و با توجه و حمایت از استعدادشان به مطالب بسیار زیاد و حتی جدیدی رسیده‌اند که حتی در زندگی روزمره آنها هم تأثیر داشته.

مسئلاً اگر قرار بود به همه رشته‌ها تا همین سطح المپیاد می‌پرداختند و در همه رشته‌ها از آنها حمایت می‌شد هرگز به این موفقیت نمی‌رسیدند.

با تشکر از توجه شما

مرکز پیش‌دانشگاهی فرزنانگان سبزوار

۱. عنبرستانی

به نام ایزد منان

با عرض سلام و خسته نباشید خدمت جناب آقای دکتر اژه‌ای و همه دست‌اندرکاران محترم و آرزوی پیروزی در کار و زندگی من ندا نجفی کلیجی دانش‌آموز سال سوم ریاضی - فیزیک فرزنانگان قائمشهر هستم که امسال به خواست خدا به پیش‌دانشگاهی می‌روم من یکبار دیگر هم در سال گذشته مزاحم اوقات شریفان گشتم و نامه‌ای مبنی بر انتقالی خویش از فرزنانگان قائمشهر به فرزنانگان کرج خدمت شما ارسال نمودم راستش را بخواهید قضیه از این قرار بود که اواخر تابستان گذشته من درخواست انتقالی را از سوی مدرسه سمپاد فرستادم اما از آنجایی که نیازمند جواب قطعی و فوری بودم تصمیم گرفتم خود به همراه پدر و مادرم اقدام نمایم به همین دلیل ابتدا به کرج و به مدرسه فرزنانگان رفتیم بعد از صحبت و گفتگو با مدیر محترم آنجا ایشان با دلگرمی استقبال کرده و جویای وضعیت تحصیلی من شدند و پدرم در این مورد و نمرات درسی من صحبتی نموده آن خانم که گویا از اوضاع درسی و تحصیلی من راضی و خشنود به نظر می‌رسیدند فرمودند که ایشان از این جهات مشکلی ندارند فقط شما باید از سمپاد یک برگه موافقت را دریافت داشته و بعد اقدامات لازم را به عمل آورید. در نتیجه ما برای دریافت برگه به تهران آمده و روانه سمپاد شدیم اما متأسفانه با عدم موافقت مسئولان مواجه شدیم که خب البته دلیلش هم عدم تطابق نمره ورودی من و کرجی‌های فرزانه بود. در نتیجه تصمیم گرفتم به عنوان آخرین راه چاره نامه‌ای خدمت شما ارسال داشته و درخواست مساعدت از سوی شما را بنمایم هر چند امید چندانی به کارساز بودن این راه حل نداشتم حدود یکی دو هفته از بازگشایی مدارس گذشته بود که مدیر مدرسه خبر که چه عرض کنم مژده دادند که گویا آقای دکتر اژه‌ای پی‌گیر این قضیه هستند و خواستار نمرات درسی من هستند آن لحظه به قدری خوشحال شدم که نمی‌دانستم چه باید بکنم. هر چند که دیگر دیر شده بود و من از پدر و مادرم خواسته بودم که فقط همان یکسال را بخاطر من بمانند تا امسال که ببینم چه پیش خواهد آمد.

من هرگز تصور هم نمی‌کردم که شما قسمتی از وقتتان را به خاطر عضو کوچکی که شاید بودن و نبودنش کوچکترین تأثیری بر خانواده بزرگ سمپاد نداشته باشد اختصاص دهید آن هم با وجود شرایط پیش آمده و جا دارد که همین جا به خاطر این پی‌گیری صادقانه و بزرگوارانه از شما کمال تشکر

را نمایم.

به هر حال تقدیر چنان بود که ما ماندگار شویم اما امسال دیگر ماندنی در کار نیست در نتیجه بار دیگر همان مشکلات گذشته برایم تکرار شده آن هم به صورتی بغرنج‌تر و سنگین‌تر. چراکه امسال من به پیش دانشگاهی می‌روم از یک طرف کلاس‌های ما از تابستان و اول تیر آغاز می‌شود و در نتیجه من مدت زیادی وقت ندارم تا تصمیم بگیرم و از طرف دیگر مسئله کنکور و دانشگاه در پیش است و من نمی‌دانم آیا با خداحافظی از خانواده بزرگ سمپادی مشکلاتم حل می‌گردد یا نه مشکلی بر مشکلات غربت من در کرج افزوده می‌گردد و اینکه آینده‌ام تا چه حد تحت تأثیر این اقدام ناخواسته قرار خواهد گرفت.

آقای دکتر اژه‌ای من می‌دانم که شرط اول پذیرش من در آنجا تطابق نمره ورودی من و کرجی‌هاست اما آخر، امسال سال آخر تحصیلی ما در دبیرستان است و به هر حال هدف نهایی همه بچه‌های سال آخر تلاش برای گذر از سرکنکور و به خواست خدا قبولی در کنکور هست و با پایان این سال تحصیلی هر کس رهسپار سرنوشت خویش می‌گردد و من تصور می‌کنم که بیرون آمدن از فرزندگان و روانه مدارس غیر سمپادی شدن مشکلاتی را برایم بوجود آورده و ضربه بزرگی بر من وارد خواهد کرد. به هر حال هر چه باشد سمپاد سرمایه‌گذاری بیشتری را بر روی بچه‌ها برای ورود آنها به دانشگاه می‌نماید. آیا با همه آنچه گفته شده پذیرش مهمان ناخوانده‌ای چون من آنهم برای یکسال کار مشکل و سنگینی است.

آقای دکتر اژه‌ای من نه یک انسان با استعداد و باهوش و نه یک المپادی نه یک فرد دارای رتبه در جشنواره خوارزمی و نه امید شماره ۱ کنکورم اما معتقدم که انسان می‌تواند با تلاش خود را از قعر چاه به اوج افلاک برساند. شاید هم از همه بچه‌های همسن خودم در فرزندگان کرج از نظر تحصیلی برتر و موفق‌تر نباشم. اما با توجه به اینکه ما سال آخری هستیم و تلاش ۱۱ ساله ما به امسال وابسته است آیا درست است که من اینگونه از خانواده سبز سمپادی خداحافظی کنم و به دنبال سرنوشت تاریکم سرگردان شوم؟

با توجه به اینکه کلاس‌های ما در ۱ تیرماه آغاز می‌شود از شما ملتسانه درخواست می‌کنم قبول زحمت نموده و نامه‌ام را زودتر بررسی و پاسخی قطعی و فوری برایم ارسال دارید تا من از این بلا تکلیفی و سرگردانی نجات یابم و بدانم که آیا باید خود را برای حضور در کلاس‌های پیش دانشگاهی در ۱ تیرماه آماده کنم - البته در فرزندگان کرج - یا باید با خانواده عزیز سمپاد و همه دوستان خداحافظی نموده و تحصیلم را از ۱ مهرماه در مدارس غیر سمپادی در کرج ادامه دهم که البته امیدوارم

باصلاح و تدبیر شما دیگر چنین نشود.

از همه توجهات شما پدر بزرگوار نسبت به فرزندان در سراسر ایران صادقانه و خالصانه تشکر می‌کنم و در آخر، بار دیگر از شما درخواست می‌نمایم به خاطر خدا نگذارید که امسال که سال آخر من هست سرگردان بمانم.

امیدوارم خداوند باریگر و حامی شما و شما حامی و باریگر ما باشید
با آرزوی پیروزی و شادکامی برای شما و همه مسئولان محترم و تلاشگر

ندا نجفی کلیجی ۷۹/۳/۲۳

استعدادهای درخشان: ضوابط انتقال به مراکزیکه درخواست انتقال به آنها کمتر است بسیار سهل و با اغماض صورت می‌گیرد. در مورد ایشان هم با توجه به نزدیک بودن نسبی امتیازشان با شهر مقصد. جهت امسال نیز چون سال قبل موافقت گردیده است در ضمن همه اعضاء سمپاد برای ما ارزشمند هستند، پاسخ مثبت و یا منفی در مورد انتقال عمدتاً بخاطر نداشتن «جا» می‌باشد. ما موارد زیادی داریم که حتی امتیاز شهر مقصد را دانش‌آموزان دارند ولی ظرفیت آن مرکز تکمیل است. متأسفانه در این شهرها امکان توسعه نیز از ما گرفته شده است.



نامه‌ها و نوشته‌های شما دریافت شد، برخی از سئوالات طرح شده در نامه‌ها که جنبه عام داشته است را در بخش «پرسشهای شما» پاسخ گفته‌ایم:

□ اراک، مرکز فرزنانگان راضیه پوینده □ اردبیل، جمعی از دانش‌آموزان مرکز فرزنانگان □ ارومیه، مرکز فرزنانگان، جمعی از دانش‌آموزان پایه دوم دبیرستان □ اصفهان، دانش‌آموزان دبیرستان فرزنانگان امین □ ایران!! چند تن از دانش‌آموزان سوم راهنمایی فرزنانگان □ بروجرد، یک غیر بروجردی از فرزنانگان بروجرد □ بندرعباس، عده‌ای از اولیاء مرکز شهیدحقانی / خانم پشنگ مدیر فرزنانگان □ بیرجند، دبیر مرکز فرزنانگان □ تهران، مهین مولودی / ولی دانش‌آموز مرکز فرزنانگان / محمد پاکدل، علامه حلی □ خرم‌آباد، مرکز فرزنانگان: رویا نظری □ زنجان، جمعی از دانش‌آموزان مرکز فرزنانگان / م. س. از شهیدبهشتی □ سنندج، دانش‌آموزان مرکز راهنمایی فرزنانگان □ قزوین، مرکز فرزنانگان، نرگس شهیدی □ قم، مرکز فرزنانگان بیگدلی □ کرمانشاه، مرکز فرزنانگان مژده لهراسبی / دانش‌آموز مرکز فرزنانگان □ گرگان، جمعی از دانش‌آموزان مرکز فرزنانگان □ مشهد، دانش‌آموزان دبیرستان شهیدهاشمی نژاد / دانش‌آموز ف.ف / دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان / دلسوزی برای آینده از مرکز فرزنانگان □ نیشابور، مرکز فرزنانگان نجمه جعفری / دانش‌آموزی از مرکز فرزنانگان